

## مسیری برای آینده: سرمایه اجتماعی رمز موفقیت

### سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی در ایران

معصومه اشتیاقی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه  
مازندران و کنشگر محیط‌زیستی

۱۱ مهر ۱۳۹۵

شماره مسلسل: ۱۱۰۰۲۴۳

شماره شاپا: ۲۴۲۳-۵۳۸۵

افقی، شبکه‌سازی و فرصت‌هایی برای تعاملات مستمر و هدفمند بین سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی استان‌ها در تغییر و بهبود شرایط فعلی از حیث میزان «سرمایه اجتماعی» گام بردارد.

### کلیدواژه

سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی، سرمایه اجتماعی، دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان محیط‌زیست، شبکه‌سازی، مدیریت مشارکتی.

### مقدمه

در فصل ۲۷ از برنامه دستور کار ۲۱ - منشوری برای آینده - بر سازمان‌های غیردولتی و نقش مهم آن‌ها در حفاظت از محیط‌زیست تأکید شده است. سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی نیروی اپوزیسیون به شمار می‌آیند که دولت‌ها برای پیشبرد اهداف توسعه پایدار نیازمند مشارکت قوی این گروه‌های فشار هستند. در همه دنیا سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در دو بعد فعالیت می‌کنند از طرفی گروه‌های فشار و از طرف دیگر به‌مثابه عامل مکمل دولت در فرایند یافتن راه‌حل مسائل محیط‌زیستی پیش روی توسعه پایدار به شمار می‌آیند. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که در قرن بیست و یکم بدون مشارکت سه‌پایه اصلی شامل: دولت (حاکمیت)، بخش خصوصی و جامعه مدنی؛ اداره کشورها ناممکن خواهد بود. در حال حاضر پیشبرد سیاست‌های محیط‌زیستی بسیاری از کشورهای جهان وابسته به سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی (NGOs) است. اولین سؤالی که مطرح می‌شود آن است که در کشور ما وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی به چه صورت است؟

اولین سازمان غیردولتی محیط‌زیستی در ایران گروه روستاییان اشکذر یزد بود که در سال ۱۳۴۹ باهدف تثبیت شن‌های روان و بیابان‌زدایی فعالیت خود را آغاز نمود. تشکل غیردولتی محیط‌زیستی بعدی انجمن حمایت از حیوانات بود که اواسط دهه ۱۳۵۰ شکل گرفت اگرچه، در سال‌های بعد از انقلاب منحل شد. در سال‌های آغازین پس از انقلاب تا بعد از جنگ روند فعالیت سازمان غیردولتی محیط‌زیستی تقریباً مسکوت بوده است تا این‌که بعد از اجلاس ریو و به تبعیت از جنبش جهانی محیط‌زیست، فعالیت دوباره سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی در ایران اوایل دهه ۷۰ شکل گرفت. در

### چکیده

در قرن حاضر نقطه تمایز کشورها به لحاظ توسعه، مقوله‌ی حکمرانی خوب است که نتیجه تعامل بین سه رکن دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. هر یک از این بازیگران برخوردار از سرمایه‌هایی هستند که در نتیجه مدیریت و به اشتراک‌گذاری این سرمایه‌ها امکان پیشبرد موفقیت‌آمیز اهداف توسعه هر کشور مهیا می‌گردد.

مروزه کاهش و حل بحران‌های عظیم محیط‌زیستی بسیار وابسته به عملکرد سازمان‌های غیردولتی و داوطلبانه برآمده از جامعه مدنی است. این در شرایطی است که سازمان‌های غیردولتی و داوطلبانه مردم‌نهاد محیط‌زیستی در کشور ما از کمبود اصلی‌ترین دارایی‌شان که همانا «سرمایه اجتماعی» است، رنج می‌برند. در واقع گزاره محوری نوشتار حاضر آن است که «سرمایه اجتماعی» حلقه مفقوده‌ای هست که کم‌رنگ بودن آن در استراتژی کنش جمعی بدنه سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی ایران، مانعی جدی برای حضور توانمند و با قدرت، جامعه مدنی در کنار دولت و بخش خصوصی برای حل مسائل محیط‌زیستی به شمار می‌آید.

توجه به ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی به‌مثابه مهم‌ترین دارایی بخش مدنی، کلیدی است که می‌تواند امکان باز شدن درهای بیشتری را برای حضور مؤثر و اثرگذار سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در مواجهه با مسائل مربوط به محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور فراهم نماید. در این مسیر دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان محیط‌زیست به‌عنوان متولی امور مربوط به سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی محوری‌ترین مرجع سیاست‌گذاری عمومی است که می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های راهبردی در جهت تقویت فضای اعتماد، مشارکت

نویسد: «سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به‌عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند». البته از نظر او هرگونه مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها منجر به تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود بلکه فقط آن دسته از هنجارهایی که مبتنی بر صداقت، انجام تعهدات و ارتباطات متقابل هستند، می‌توانند در تولید سرمایه اجتماعی مؤثر باشند (نک به فاضلی و اشتیاقی، ۱۳۹۲).

نکته قابل توجه آن است که اوفه و فوش بر این نظرند که «وضعیت عضویت» و «نحوه تعیین اهداف» ملاک‌های اصلی تمایز سازمان‌ها از نظر تولید سرمایه اجتماعی هستند. یکی از ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی که مولد سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شود، این است که باید تعیین اهداف سازمان در آن‌ها بر اساس تعامل و تشریک مساعی در میان اعضایی که روابط افقی با یکدیگر دارند صورت گیرد. از این‌رو هنگامی می‌توان یک سازمان غیردولتی را مولد سرمایه اجتماعی دانست که از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

الف. عضویت در آن‌ها داوطلبانه و اختیاری باشد.

ب. تعیین اهداف در آن‌ها بر اساس تعامل میان اعضا صورت گیرد.

پ. اعضای آن‌ها روابطی افقی و مبتنی بر برابری حقوق با یکدیگر داشته باشند.

ت. تمامی افراد واجد شرایط، حق عضویت در تشکل را داشته باشند.

به این ترتیب آن دسته از تشکل‌های غیردولتی که فاقد ویژگی‌های فوق باشند، فاقد توانایی تولید سرمایه اجتماعی نیز محسوب می‌شوند. بسیاری از تشکل‌ها که شکل روابط شدید رئیس و مرئوس میان اعضای آن‌ها حاکم است نمی‌توانند در ذیل سازمان‌های مولد سرمایه اجتماعی قرار گیرند. دلیل عدم تولید سرمایه اجتماعی در سازمان‌های غیردولتی که فاقد ویژگی‌های مورد نظر اوفه و فوش هست این است که سرمایه اجتماعی حاصل سه عنصر: اعتماد، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت است. این عناصر در گروهی ایجاد و تقویت می‌شود که روابط میان اعضا به شکلی «افقی» باشد. سازمان مبتنی بر تعاملات رسمی که نیاز به کنترل و نظارت شدید بر رفتار اعضا دارد و هزینه‌های قابل توجهی صرف این کار می‌کند یا سازمانی که در آن اعضا، نقشی در تعیین اهداف و شرکت در فرایندهای تصمیم‌گیری نداشته و روابط عمودی میان اعضا

طول سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ تعداد تشکل‌ها به ۱۵۶ تشکل یعنی ۷ برابر رسید. این روند در سال ۱۳۸۲ به ۵۵۰ تشکل یعنی چهار برابر تا سال ۱۳۷۸ رسید و در سال ۱۳۹۵ بنا به اظهارات شورای هماهنگی سازمان غیردولتی محیط‌زیستی ملی، بالغ بر ۹۰۰ انجمن محیط‌زیستی ثبت شده است. بنا به آمارهای اعلام شده در ایران نیز همانند جهان شاهد رشد رو به جلوی سازمان غیردولتی محیط‌زیستی هستیم و انتظار می‌رود این روند با توجه به نیازهای جهانی، ملی و محلی درباره حل بحران‌های محیط‌زیستی با شتاب بیشتر ادامه پیدا کند.

اما «آیا رشد کمی با رشد کیفی سازمان غیردولتی محیط‌زیستی در ایران همگام است؟» متأسفانه اخبار منتشرشده در رسانه‌ها گواهی بر رد و تردید بر این گزاره است. دغدغه‌های متعددی درباره عملکرد کیفی سازمان غیردولتی محیط‌زیستی از زوایای مختلف چون سطح آموزشی، دانشی، آگاهی بخشی عمومی درباره مخاطرات محیط‌زیستی، قدرت چانه‌زنی و توانمندی در نیل به اهداف مدنظر سازمان غیردولتی محیط‌زیستی به‌مثابه اهرم فشار و مکمل در برابر عملکرد دولت-ها در مواجهه با مسائل محیط‌زیستی کشور مطرح است. در مورد چالش‌ها، تهدیدها و ضعف‌های سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی و البته فرصت‌ها و نقاط مثبت ظهور سازمان غیردولتی محیط‌زیستی در کشور به‌ویژه در دولت یازدهم بسیار گفته شده است اما در نوشتار حاضر، نگارنده ضمن پرداختن به آسیب‌کلیدی در شاکله سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در کشور، راهبرد و دریچه‌ای برای برون‌رفت از این آسیب را با تکیه بر مفاهیم آزمون شده در دانش جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی مطرح خواهد کرد. داده‌های نوشتار حاضر حاصل مصاحبه‌هایی است که با روسا و مؤسسين سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی کشور در نیمه اول سال ۱۳۹۵ انجام شده و در کنار آن یافته‌های مشاهده مشارکتی نگارنده است که به‌واسطه فعالیت INGO ای کسب کرده است. در این جستار سعی می‌شود تا عامل کلیدی با قدرت تبیین‌کنندگی بالا برای موفقیت پایدار سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی در کشور مورد مذاقه قرار گیرد.

### حلقه معیوب سرمایه اجتماعی

بانک جهانی در سیستم حسابداری ثروت کشورها، چهار شاخص تعیین نموده که عبارت‌اند از: سرمایه طبیعی، دارایی‌های تولید شده، منابع انسانی و بالاخره سرمایه‌ی اجتماعی. فوکویاما می-

مندی از توان و خرد جمعی در دل فعالیت داوطلبانه محیط‌زیستی در کشور است که به کرات مصاحبه شده‌ها بدان اذعان داشته و تجربه حاصل مشاهده‌های نگارنده نیز مهر تأییدی بر این چالش عمومی است که نتیجه آن غلبه حرکت-های کم‌جان و کم‌توان منوط به افراد و نه کنش‌های جمعی شبکه‌ای درهم‌تنیده و اتصالی در فعالیت سمن‌های محیط‌زیستی در سطح کلان ملی بوده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

برقراری تعادل بین سه ضلع دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی رمز موفقیت کشورهاست. به همین دلیل در سیاست‌گذاری‌های عمومی می‌بایست برای توازن بخشی بین سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی (مردم‌نهاد) راهبردهایی اتخاذ شود. در شرایط فعلی که کشور مواجه با بحران‌های محیط‌زیستی است توجه به تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی راهبرد مدیریتی کلانی است که می‌تواند دولت را در مواجه با مسائل محیط‌زیستی توانمندتر و کارا تر نماید و مدیریت مبتنی بر حکمرانی خوب را به بار آورد. نکته مهم در این مسیر آن است که هر یک از شرکای حکمرانی خوب باید برخوردار از سرمایه باشند تا امکان تعامل و مشارکت برای حل معضلات متعدد محیط‌زیستی به وجود آید. در این بین باید توجه داشت سرمایه دولت قدرت سیاسی، سرمایه بخش خصوصی توان مالی و اقتصادی و سرمایه جامعه مدنی (بخش مردم‌نهاد) نیز «سرمایه اجتماعی» است. مادامی که جامعه مدنی در قالب فعالین سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی با کمبود و فرسایش سرمایه اجتماعی مواجه باشند امکان تعامل سازنده بین شرکای حکمرانی خوب امری دشوار خواهد بود.

سازمان محیط‌زیست و به‌طور خاص دفتر مشارکت‌های مردمی محوری‌ترین کارگزاری است که می‌تواند سکان‌دار سیاست‌گذاری‌های عمومی درباره موضوع حاضر در ارتباط با تقویت سرمایه اجتماعی در بدنه سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در کشور باشد. اجرای برنامه‌هایی مانند نشست‌ها، همایش‌ها و گردهمایی‌های منظم و پیوسته برای تقویت شبکه ارتباطات بین سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی در استان‌های کشور از جمله راهبردهایی است که می‌تواند ظرفیت و فرصت تعاملات بین تعداد بی‌شماری از سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی با پتانسیل‌های متنوع را در سراسر کشور فراهم سازد.

برقرار باشد، هر دو نشان از وضعیتی دارد که موجودی سرمایه اجتماعی پایینی دارند.

برآیند مصاحبه‌ها و مشاهدات مشارکتی نگارنده در بین چندین سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی در کشور حاکی از روابطی است که عمدتاً صورت عمودی و بالا به پایین را داشته و سازوکارهای مشارکت در آن به دلیل شکل تا حدودی ناکارایی روابط؛ دشوار و بازدارنده است. در همین مورد، آقای X، ۵۴ سال که خود سابقه ۸ سال فعالیت در سازمان غیردولتی محیط‌زیستی دارد می‌گوید:

«خیلی از اشخاص درون NGOها ادعای رفتارهای دموکراتیک دارند اما در فعالیت جمعی رفتارشان غیرمستقیم و حتی مستقیم سلطه مدارانه هست. بیشتر سمن‌ها متکی به فرد یا یک عده خاصی است که احساس تملک دارند و اجازه ورود به علاقه‌مندان دیگر را کمتر می‌دهند. می‌شود گفت نوعی لابی‌گری دیده می‌شود»

یا خانم X دانشجوی دکترا با بیش از ۶ سال سابقه فعالیت سمنی در بخش‌های مختلف چون مدیریت سمن و عضو شبکه سازمان غیردولتی محیط‌زیستی استانی اظهار می‌کند که:

«بسیاری از اشخاصی که سابقه دارند برای خودشان حالت سرفعلی دارند. این‌ها دنبال جذب نیروی با فکر و فعال جدید کم هستند. اجازه ورود نمی‌دهند. خیلی از قدیمی‌ها احساس می‌کنند اگر به فرد جدیدی اجازه فعالیت جدی بدهند آن‌ها قدرت و وزنی پیدا می‌کنند که جا برای آن‌ها تنگ می‌شود».

در خصوص بحث حاضر هم‌چنین آقای ۶۳ ساله با سابقه ۲۰ سال فعالیت سمنی درباره نوع تعاملات و تعهدات سمن‌ها معتقد است که:

«ارتباط منظم و تشکیلاتی نیست. افرادی که فعالیت مدنی را ادامه دهند بسیار کم است چون خیلی از مواقع روابط به سمت خصمانه و تخریب یکدیگر و نه اعتماد پیش می‌رود»

در کل حاصل ۱۵ مصاحبه با فعالین سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی در استان‌های مختلف مؤید آن است که به دلیل غلبه روابط عمودی و کم‌رنگ بودن سازوکارهایی که امکان مشارکت فعال، همکاری همراه با اعتماد و احساس تعهد متقابل را در بین اعضای سازمان غیردولتی محیط‌زیستی متبلور نماید؛ دارایی‌های سازمان غیردولتی محیط‌زیستی از حیث برخورداری از سرمایه اجتماعی به‌رغم عضویت اعضایی با توانمندی فردی بالا؛ پایین باشد. کاهش دارایی از جنس سرمایه اجتماعی زمینه‌ساز تهدیدی برای بازتولید تعامل بین اعضا، کار گروهی و بهره-

مشارکت اجتماعی جلوه واقعی خود را به منصفه ظهور برساند. یکی از سیاست‌هایی که دفتر مشارکت‌های مردمی می‌تواند راهبردی آن را بر عهده گیرد، تقویت شبکه‌سازی و در پی آن مدیریت مشارکتی در بدنه سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی است. ایجاد فرصت و ظرفیت برای تعامل اجتماعی بین فعالین مدنی محیط‌زیستی و کمک به آن‌ها در برقراری ارتباطات از جمله سازوکارهای اجرایی است که می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

شبکه‌سازی که با ظرفیت‌های مندرج در سرمایه اجتماعی قابل تحقق است، امکان سازماندهی پتانسیل‌های منفک و واگرا شده را می‌تواند فراهم کند. البته در یک سال اخیر شکل‌گیری شبکه‌های استانی و ملی در کنار نشست‌هایی پیوسته با همکاری دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان محیط‌زیست و همچنین تعاملات حاصل از شبکه اجتماعی تلگرامی یکی از سازوکارهای نوظهور سال‌های فعالیت سازمان‌های غیردولتی داوطلبانه محیط‌زیستی در ایران است که به اعتقاد نگارنده و البته مصاحبه شده‌ها محرک تقویت‌کنندگی قابل توجهی در امکان بازتولید سرمایه اجتماعی به صورت شبکه‌سازی ملی و کلان به شمار می‌آید و ظرفیت برقراری کنش جمعی را در دل خود دارد. لیکن این سرفصل بخشی از مسیری است که باید به درستی به جلو هدایت شود تا در درازمدت واسطه‌ای کارا برای عوامل انگیزشی مولد سرمایه اجتماعی به شمار آید. در کل مادامی که سازمان‌های محیط‌زیستی از آفت فرسایش سرمایه اجتماعی خود را مصون ندارند فرصت‌ها و امکان‌ها برای بلوغ و ظهور ظرفیت‌های پنهان در عرصه کار مدنی و توانمندی سازمان‌ها و تشکل‌ها مدنی در کنار دولت‌ها موضوعی لاینحل و دشوار باقی خواهد ماند.

### منابع

فاضلی، محمد، اشتیاقی، معصومه. (۱۳۹۲) وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.

به عبارتی سرمایه اجتماعی عاملی است که قادر است هزینه‌های تعاملات جمعی را به حداقل ممکن برساند، همکاری را تسهیل نماید و در پی آن شبکه‌سازی و سازمان‌دهی نیروهای اجتماعی را فراهم سازد. ایجاد سرمایه اجتماعی و کاهش هزینه‌های عمل جمعی و جلب مشارکت افراد صرفاً از طریق متشکل کردن افراد جامعه و صرف ثبت بی‌شمار سازمان‌های غیردولتی صورت نمی‌پذیرد. به عبارت دقیق‌تر، ویژگی ممیز و مثبت سازمان‌های غیردولتی که می‌توانند در تحقق توسعه نقش داشته باشند، عضویت و مدیریت مشارکت جویانه اعضا بر اساس اصل شهروندی است. مادامی که ضرورت تقویت و تسهیل سازوکارهای بازتولید‌کننده سرمایه اجتماعی مورد توجه فعالین مدنی و بخش‌هایی که درصدد تقویت جامعه مدنی هستند قرار نگیرد؛ امید به داشتن سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی قدرتمند و توانا در پیشبرد اهداف خود به‌مثابه گروه فشار و بازوی دولت امری دشوار است.

اگرچه روند فرسایشی اعتماد به نهادهای دولتی در کشور ما در بروز این آسیب (فرسایش سرمایه اجتماعی) نقشی برجسته دارد اما زمانی که تعدادی از افراد به‌صورت فعالین مدنی با پذیرش اهداف مشترک در قالب یک نهاد قرار می‌گیرند لازم است برای پایداری روبه‌جلو؛ مکانیسم‌هایی را به طریق قواعد هنجاری نانوشته در درون خود به وجود آورند تا امکان حضور باکیفیت اثرگذاری آن‌ها به طریق شبکه‌ای یکپارچه و منسجم در بین نهادها و سازمان‌های خارج از خود دیده شود و در درازمدت بسترهای انباشت نهادی خود را در مقابل وزنه بیرونی که سازمان‌های دولتی در اینجا است، فراهم سازند. بی‌تردید دفتر مشارکت‌های مردمی یکی از نهادهای کلیدی است که می‌تواند در بازتولید اعتماد در شاکله سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی به یکدیگر و در ارتباط با دولت مؤثر باشد.

به‌واقع صرف داشتن تعداد پرشمار نهادهای مردمی محیط‌زیستی که داعیه حفاظت از محیط‌زیست را دارند و درصدد تکمیل‌کنندگی دولت در فرایند یافتن راه‌حل مسائل زیست‌محیطی هستند، کفایت لازم را برای کارایی سازمان‌یافته و پایدار نخواهد داشت. در وضعیتی که طرف مقابل سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی؛ دولت و بخش‌های خصوصی هستند که کمتر بستری برای برقراری کپ مشترک بین‌شان به وجود آمده؛ لازم است شاخه‌های از هم بریده سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی که در درون خود نیز انقطاع دارند به‌واسطه چسب «سرمایه اجتماعی» به هم متصل شده تا قدرت مدنی و